

سبک‌شناسی اخبار پیشگویی‌های تاریخی امامان شیعه علیهم السلام

عبدالرضا عرب ابوزیدآبادی^۱

چکیده

علم امام به حوادث آینده از مباحث بنیادین و چالش برانگیز عقاید شیعه است که جستارهای فراوان فکری، کلامی و تاریخی درباره آن شکل گرفته است. اخبار پیشگویی‌های تاریخی امامان در منابع حدیث و تاریخ که جلوه علم امام به آینده است، فراوانی و گستردگی دارد. اگرچه برخی از اخبار منسوب به امامان در پیشگویی حوادث آینده اعتبار لازم را ندارند، از مجموع اخبار صحیح و معتبر می‌توان اصول کلی حاکم بر پیشگویی‌های امامان را به دست آورد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف سبک‌شناسی اخبار پیشگویی‌های تاریخی امامان شیعه علیهم السلام انجام شد. پژوهش‌هایی که تاکنون درباره پیشگویی امامان شیعه علیهم السلام انجام شده است رویکرد توصیفی و فقه‌الحدیثی داشته است، اما در پژوهش حاضر با رویکرد انتقادی، روایات مربوط به این موضوع تحلیل شد تا رهیافت نوینی در حوزه اخبار ملاحم و پیشگویی پیشوایان با رویکرد زبان‌شناسانه به دست آید. نتایج بررسی‌ها نشان داد که استفاده از عبارات کوتاه، گویا، قاطع، هدفمند و استفاده از زبان تمثیل و پرهیز از تعیین زمان وقوع حوادث از مهمترین شاخصه‌های پیشگویی امامان شیعه علیهم السلام است.

واژگان کلیدی: امامان شیعه علیهم السلام، پیشگویی تاریخی معصومین علیهم السلام، ملاحم و

فتن، خبرهای غیبی، سبک‌شناسی پیشگویی‌های ائمه علیهم السلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱
۱. دکترای تاریخ اهل بیت علیهم السلام - گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی - جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)

۱. مقدمه

پیشگویی تاریخی به معنای خبر دادن قطعی از حوادث مهم آینده باتکیه بر علوم مخفی یا وحی و الهام است و با پیش بینی های رایج علمی و آینده پژوهی و آینده نگری متفاوت است. بخشی از کتاب های آسمانی، تعالیم انبیا و سخنان اوصیا، در مورد خبرهایی مربوط به حوادث آینده است. از جمله جنبه های اعجاز **قرآن** نیز بیان مواردی از پیشگویی های مسلم تاریخی است که برخی به وقوع پیوسته و برخی از آنها به عصر ظهور و آستانه قیامت موکول شده است. **قرآن کریم** مواردی از پیشگویی های انبیای الهی را حکایت نموده، کتب آسمانی را نیز با خصیصه خبرهای پیشگویانه معرفی کرده است و واکنش مردم به این پیشگویی ها را منفی خوانده است: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (صف: ۶).

در منابع تاریخی و حدیثی پیشگویی های فراوانی از رسول خدا ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام نقل شده است. جمع آوری این اخبار باعث پیدایش تک نگاره هایی بانام ملاحم و فتن شده و بابتی از کتاب های معجزات و کرامات معصومین علیهم السلام به خبرهای غیبی ایشان اختصاص یافته است. بی شک، پیشگویی حوادث تاریخی و خبر دادن از آینده به دلیل جذابیت و اثرگذاری فوق العاده آن در اذهان توده ها محل مناسبی برای دروغ پردازی و جعل و تحریف جاعلان و وضاعان بوده است. از این میان، می توان به انگیزه سیاسی حکومت ها و رهبران قیام ها، جنبش های سیاسی و انگیزه فکری نحله ها و فرقه های فکری مذهبی که برای تأیید تفکرات و ترویج اندیشه های خود نیاز به این ابزار مهم تبلیغی داشته اند، اشاره کرد؛ چنان که اخبار مربوط به مهدویت و حوادث آخرالزمان نقش بسزایی در پیدایش برخی نحله ها و فرقه های فکری و رخداد های سیاسی در قرون اول اسلامی داشته و این جریان در طول تاریخ تا عصر حاضر تداوم داشته است (سلیمان، ۱۳۹۵؛ سعادت، ۱۳۹۴).

اخبار صحیح و معتبری از ائمه اطهار علیهم السلام موجود است که نشان می دهد ایشان برخی از حوادث مهم آینده را برای پیروان خود پیشگویی کرده اند. یکی از راه های تمایز اخبار صحیح از ناصحیح، سبک شناسی اخبار معتبر است. منطق و ادبیات یکسان حاکم بر این اخبار در کنار سایر ملاک های اعتبارسنجی سندی، معیاری برای ارزیابی این روایات



به دست می دهد. محور تحقیق و بررسی ها در پژوهش حاضر، اخبار مربوط به مهدویت و حوادث آخرالزمان نیست، بلکه سایر حوادث مهم تاریخی است که از سوی پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشگویی شده اند.

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات و مطالعات جدید درباره پیشگویی های تاریخی امامان شیعه دونوع است: پژوهش های توصیفی و پژوهش های تحلیلی. پژوهش های توصیفی شامل تحقیقاتی است که فقط به جمع آوری این اخبار و فصل بندی آن پرداخته اند؛ چنان که پیش از این نیز بسیاری از محدثان و مورخان به جمع آوری اخبار ملاحم و فتن اهتمام ورزیده و مجموعه های فراوانی از کتب فتن را فراهم کرده اند. در سال های اخیر نیز مجموعه هایی از اخبار پیشگویی امامان علیهم السلام منتشر شده است مانند **کتاب الاحادیث الغیبیه** (ر.ک.، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۳) که اخبار غیبی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را در سه جلد جمع آوری کرده است. شبیه این کتاب، کتاب های دیگری نیز نوشته شده است که فقط جنبه گردآوری دارند مانند **کتاب خبرهای غیبی از زبان چهارده معصوم** (غفاری ساروی، ۱۳۸۸)، **کتاب پیشگویی پیشوایان** (سیاح، ۱۳۵۰)، **کتاب خبرهای غیبی چهارده معصوم** (رجالی تهرانی، ۱۳۷۷)، **کتاب کشف المغیبات** (محلای، ۱۳۵۵ ه.ق) و ده ها کتاب دیگر که به عربی و فارسی جمع آوری شده است. دسته دوم پژوهش ها شامل پژوهش های تحلیلی است که اخبار پیشگویی را ارزیابی و تحلیل می کنند مانند **کتاب اخبار الملاحم والفتن** (عبودی نصار، ۱۳۸۷). این کتاب اگرچه اخبار پیشگویی رسول خدا صلی الله علیه و آله و برخی اصحاب آن حضرت و آثار آن در دوره های مختلف را تحلیل می کند، اما اخبار ائمه اطهار علیهم السلام را بررسی نکرده است. بنابراین، در سبک شناسی اخبار امامان شیعه علیهم السلام تحقیق مستقل و کاملی انجام نشده است. گاه برخی اخبار توسط برخی محققان بررسی شده و آنچه تاکنون انجام شده مربوط به حوادث آخرالزمان و موضوع مهدویت بوده که از موضوع پژوهش حاضر خارج است.



۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. پیشگویی تاریخی

پیشگویی در زبان فارسی به معنای عمل و کار شخص پیشگو، کهانت، غیب‌گویی و اخبار از آینده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴/۵۹۹) این واژه هم‌معنای عرافت، کهانت و اخبار بالغیب در فرهنگ و تمدن عرب است (جرجی‌زیدان، ۱۳۹۴، ۳/۱۶). در فرهنگ و زبان عرب پیش از اسلام و پس از اسلام عبارات مختلفی در معنا و مفهوم پیشگویی استفاده شده است. برای مثال، کهانت، عرافت و تنجیم در فرهنگ پیش از اسلام و همچنین علم غیب، علم ملاحم، علم بلایا و منایا و علم جفر در فرهنگ اسلامی در معنایی نزدیک به پیشگویی به کار رفته است. واژه پیشگویی، ترکیبی از دو کلمه «پیش» به معنای آینده و «گویی» به معنای گفتن و بیان کردن است. در حقیقت دو مفهوم از پیش دانستن و از پیش گفتن در کنار هم دورکن اصلی پیشگویی را شکل می‌دهند؛ هر یک از این دو نباشد پیشگویی نخواهد بود. چه بسا افرادی که از پیش می‌دانند، اما نمی‌گویند، این افراد پیشگو نیستند. همچنین افرادی که از پیش می‌گویند، اما نه از روی علم و یقین، بلکه براساس ظن و حدس و تخمین، پیشگو به معنای واقعی نیستند. مقایسه این واژه با واژه پیش‌بینی معنا را روشن‌تر و کامل‌تر می‌کند. پیش‌بینی یعنی، حدس زدن وقایع آینده از روی علل، اسباب و قرائین موجود. برای مثال پزشک گاهی از دیدن احوال بیماری می‌تواند، بگوید که او بهبود خواهد یافت و یا خواهد مرد. فرد پیش‌بین با علم به علل و اسباب، معلول را حدس می‌زند. پیش‌بینی وضعیت آب و هوا، پیش‌بینی نظامی، پیش‌بینی وضعیت اقتصادی و... از همین قبیل است. شاید همین تفاوت‌های روشن موجب شده است تا آشنایان به لغت هیچ‌گاه عنوان پیش‌بینی‌های قرآنی را در گفتار و نوشتار خود به کار نبرند و خلطی بین آن و پیشگویی‌های قرآنی به عمل نیاورند (ر.ک.، شفیع‌داری، ۱۳۷۱).

پیشگویی از نظر موضوع پیشگویی شده و مضاف‌الیه خود می‌تواند متفاوت و گوناگون باشد. گاهی فرد پیشگو می‌تواند تولد یا مرگ شخصی را و یا وقوع یک حادثه طبیعی در زمانی معین را پیشگویی کند. منظور از پیشگویی تاریخی در تحقیق حاضر، پیشگویی حوادث مهم و قابل توجه در آینده است. پیش‌گویی قیام‌ها و جنبش‌های مهم سیاسی،



روی کارآمدن یا برافتادن حکومت‌ها، قتل و شهادت افراد مهم و اثرگذار، آینده یک قوم، گروه، شهر و مانند آن از مصادیق پیش‌گویی تاریخی است. موارد دیگر پیش‌گویی‌ها مانند صاحب فرزند شدن فلان شخص یا مرگ فرزند یا پدر فلان فرد یا صاحب مال و ثروت شدن اشخاص و نظایر آن از گردونه پیش‌گویی‌های تاریخی بیرون است.

۲-۳. اخبار

اخبار جمع خبر، اصطلاحی مشترک میان دانش کلام، اصول فقه، حدیث و تاریخ است. کلمه خبر در طول دست‌کم سه سده نخست هجری مراحل مختلفی را از معنای واژه به سمت اصطلاح‌شدگی طی کرده است و به‌ویژه نزد محدثان، یکی از اصلی‌ترین مصطلحات در کنار دو اصطلاح حدیث و اثر جای یافته است. اخبار در زبان عربی به معنی آگاهی، اطلاع داشتن و حکایت است. به‌کارگیری این واژه با همین معنا در **قرآن** آمده و به صورت‌های مختلف اسمی و فعلی از آن استفاده شده است. (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸، ۲۲/مدخل خبر) خبر در محافل عالمان حدیث مسیر دیگری را ذیل مبحث اهمیت اسناد پیمود. بدین ترتیب با تقسیم خبر به متواتر و واحد، برای سطح‌بندی آنها از آن منظر که نوع رابطه‌شان با طرف حدیث در چه حد از اعتبار است به سه بخش مرفوع، موقوف و مقطوع طبقه‌بندی شده است (ر.ک.، شهیدثانی، ۱۴۰۸ه.ق، ص ۹۷، ۱۳۲، ۱۳۵). به دنبال اصطلاح‌شدن واژه خبر در اشاره به چگونگی نقل روایات، تعبیرات اخباری و اخبارنا در عرض تعابیر حدثنی و حدثنا موضوعیت کاربردی یافت و مانند سایر اصطلاحات حدیثی مورد استفاده محدثان قرار گرفت. در طول تاریخ حدیث، جایگاه اصطلاح خبر و اصطلاحات هم‌عرض آن یعنی، حدیث، اثر و روایت به تفکیکی دقیق نسبت به یکدیگر معین نشده است. (صبحی صالح، ۱۴۰۶ه.ق، ص ۴۲-۴۵)

با وجود گستره معنایی واژه خبر، منظور از خبر در پژوهش حاضر هر گزاره قابل صدق و کذبی است که منسوب یا مستند به یکی از امامان شیعه علیهم‌السلام باشد. این معنا شامل اقسام حدیث، روایت و نقل تاریخی می‌شود.

۴. گونه‌شناسی اخبار پیش‌گویی

با بررسی خبرهای پیش‌گویی ائمه علیهم‌السلام به این نکته می‌توان پی برد که این اخبار گستره





موضوعی گوناگونی دارند. این اخبار گاه مربوط به موضوعات جزئی و شخصی مانند ولادت، مرگ، شهادت و اسرار نهان اشخاص و گاه مربوط به مسائل کلان اجتماعی مانند ظهور و سقوط دولت‌ها و شکست و پیروزی قیام‌ها و جنبش‌ها و در پیش بودن فتنه‌ها و ناآرامی‌هاست. پیشگویی تاریخی گاه به آینده نزدیک و قریب‌الوقوع اشاره داشته که برخی از آن در عصر آن امام تحقق تاریخی یافته است و گاهی نیز ناظر به آینده دور بوده که هنوز تحقق خارجی نیافته است و یا در تحقق آن تردیدهایی وجود دارد. برخی از این اخبار از وقوع فتنه‌ها و حوادث تلخ و هشداردهنده در آینده خبر داده است و برخی به حوادث شیرین و امیدبخش و تحرک‌آفرین. برخی دیگر از این اخبار به آینده شهرها و مناطق اختصاص دارد و برخی به اشخاص و رجال سیاسی. برخی خبر از پیروزی قیام‌ها و جنبش‌های شیعی دارد و برخی از شکست و شهادت صاحبان قیام. برخی از روی کار آمدن دولت‌ها و حکومت‌ها و برخی از برافتادن و سقوط دیگر حکومت‌ها سخن می‌گویند. در برخی از این اخبار، زمان تقریبی تحقق پیشگویی بیان شده و در برخی دیگر هیچ زمانی مطرح نشده است. این اخبار از نظر مستند و غیرمستند بودن متفاوتند. برخی از این اخبار در منابع معتبر حدیثی و تاریخی انعکاس یافته و برخی دیگر منسوب به یکی از امامان است و سند معتبری برای آن وجود ندارد. ذکر این نکته لازم است که ترسیمی از آینده تاریخ بشریت و مسائل مرتبط با ظهور حضرت حجت رَجَاهُ السَّمَوَاتِ و نشانه‌های عصر ظهور بخش اعظم پیشگویی‌های ائمه را شکل می‌دهد. جامع‌ترین و مفیدترین تقسیم‌بندی برای اخبار پیشگویی‌ها تقسیم‌بندی براساس موضوع پیشگویی‌هاست. از نظر موضوع پیشگویی می‌توان این اخبار را در سه‌گروه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داد و برای هرکدام زیر مجموعه‌هایی در نظر گرفت. مهمترین حوادث تاریخی که امامان اهل بیت (ع) آن را پیشگویی کرده‌اند و منبع و سند قابل توجه دارند عبارتند از:

پیش‌گویی‌های امام علی (ع) از حوادث تاریخی: پیشگویی سب و لعن او در آینده

(ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۲۱۹)، پیشگویی از چگونگی شهادت خود (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۱/۱-۱۱۳)،

پیشگویی شهادت امام حسین (ع) و قیام کربلا (ر.ک.، ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۲۶۹)، پیشگویی پیروزی

در جنگ جمل و قتل طلحه و زبیر و تعداد سپاهیان کوفه (ر.ک.، ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۱۲/۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق. ب، ص ۱۵۷)، پیشگویی آینده کوفه (ر.ک.، شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۸۶)، پیشگویی آینده بصره (ر.ک.، شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۵۵)، پیشگویی سرانجام خالد بن عُرْفُطَه (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، الف، ۳۳۰/۱)، پیشگویی‌هایی درباره خوارج (ر.ک.، شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۹۳)، پیشگویی‌هایی درباره بنی‌امیه (ر.ک.، شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۱۳۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۳۶/۲)، پیشگویی درباره مروان حکم (ر.ک.، ابن‌الجوزی، ۱۴۲۶ هـ.ق، ص ۷۸؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، خطبه ۷۳)، پیشگویی درباره حجاج بن یوسف ثقفی (ر.ک.، المسعودی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۵۰/۳؛ شریف‌الرضی، ۱۴۱۶ هـ.ق، خطبه ۱۱۶)، پیشگویی‌هایی درباره بنی‌العباس (ر.ک.، اربلی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۸۵/۱؛ هلالی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۹۱۶/۲)، پیشگویی درباره صاحب زنج و ترک‌ها (ر.ک.، ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۲۰۵/۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۲۷/۸-۱۲۶).

پیشگویی‌های امام حسن علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی فتنه عایشه در تدفین جنازه امام حسن علیه السلام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۰۰/۱)، پیشگویی شهادت امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا (ر.ک.، ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵)، پیشگویی وضعیت شیعه در عصر اموی (ر.ک.، ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ۲۲۱/۱).

پیشگویی‌های امام حسین علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی قیام خونین عاشورا و شهادت خود و یارانش (ر.ک.، ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۴۳۴؛ طبری، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۳۹۴/۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ هـ.ق، ۳۹/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۹/۸)، پیشگویی عاقبت عمر سعد (ر.ک.، ذهبی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۹۵/۵؛ اربلی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۹/۲)، پیشگویی‌های امام سجاد علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی شهادت فرزندش زید (ر.ک.، أبو‌الفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۳۸۵ هـ.ق، ص ۱۲۸)، پیشگویی درباره جعفر کذاب (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ۳۱۹/۱)، پیشگویی درباره حکومت بنی‌العباس (ر.ک.، النعمانی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۹).

پیشگویی‌های امام باقر علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی مدت حکومت هشام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۹۴/۸)، پیشگویی درباره حکومت بنی‌العباس (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۱۰/۸)، پیشگویی‌های امام صادق علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی ولادت امام رضا علیه السلام و شهادتش در طوس (ر.ک.، ابن‌بابویه، ۱۳۹۵ هـ.ق، ۵۶۶/۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۸۷)، پیشگویی شهادت زید بن علی بن‌الحسین علیه السلام (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۱۴/۱)، پیشگویی درباره سرانجام بنی‌العباس (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۱۲/۸).



پیشگویی‌های امام موسی بن جعفر علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی درباره ظهور واقفیه (ر.ک.، کشی، ۱۴۰۰، ۲/۷۶۰)، پیشگویی درباره شهادت امام رضا علیه السلام و دفن آن حضرت در طوس (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۳، ۲/۲۶۰)، پیشگویی مرگ منصور دوانقی (ر.ک.، حمیری، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۳۳۷).
پیشگویی‌های امام رضا علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی ایمنی از شر هارون الرشید (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۴۸۷)، پیشگویی از شهادت و مدفن خود (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۳، ۲/۲۶۳)، پیشگویی هلاکت برامکه (ر.ک.، صفار، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱/۴۸۴).

پیشگویی‌های امام جواد علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی شهادت خود (ر.ک.، شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، الف، ۲/۲۸۶).

پیشگویی‌های امام هادی علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی مرگ واثق و خلافت متوکل و قتل ابن زیات (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۴۹۸؛ طوسی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۶۱۱).

پیشگویی‌های امام حسن عسکری علیه السلام از حوادث تاریخی: پیشگویی خلع معتز و قتل او (ر.ک.، طبری، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۲۲۵)، پیشگویی قتل مهتدی عباسی (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۵۱۰)، پیشگویی درباره شهادت خود (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۵ ه.ق، ۲/۴۷۵).

پیشگویی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از حوادث تاریخی: پیشگویی وفات علی بن محمد سمري و آغاز غیبت کبری (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۵ ه.ق، ۲/۵۱۶).

۵. سبک‌شناسی اخبار پیشگویی

با مطالعه پیشگویی‌های مکتوب در متون دینی ادیان و مذاهب و یا اشخاصی که جایگاه خاصی در ادیان ندارند و شهرت بسزایی در دنیا یافته‌اند، می‌توان به این نکته پی برد که هریک از آنها سبک‌هایی را برای بیان پیشگویی خود در نظر گرفته‌اند؛ برخی از هنر شعر و زبان منظوم و یا نثر مسجع و مقفی بهره برده‌اند، برخی از گنجاندن پیشگویی‌های خود در لابه‌لای متون طولانی و گاه داستانی استفاده کرده‌اند، برخی از عبارات مبهم، پیچیده و چندوجهی کمک گرفته‌اند، برخی به بیان کلیاتی که قابل انطباق بر همه چیز و همه جاست اکتفا کرده‌اند، برخی جزئیات حوادث را با تعیین زمان دقیق یا محتمل آن در آینده گفته‌اند، برخی با نگاه کردن به آسمان پیشگویی کرده‌اند و برخی در پاسخ به تعبیر خواب‌ها و...

با مرور پیشگویی های اهل بیت علیهم السلام می توان به اصول کلی و شاخصه اصلی در سبک پیشگویی ایشان دست یافت. آنچه مطرح شد مربوط به پیشگویی حوادث تاریخی آن هم در غیر موضوع مهدویت و حوادث آخرالزمان است. اگرچه در برخی موارد این دو حیطه از پیشگویی ها درکنار هم بیان شده است، به نظر می رسد سبک پیشگویی های آخرالزمانی در برخی موارد متفاوت با سایر پیشگویی هاست.

۵-۱. استفاده حداقلی از پیشگویی

نخستین نکته در بررسی پیشگویی های امامان علیهم السلام بیان حداقلی پیشگویی هاست. ایشان به تبعیت از **قرآن کریم** فقط در موارد خاص و مورد نیاز و آنجا که هدایت جامعه و اشخاص اقتضا می کرد و در راستای رسالت الهی منصب امامت بود حوادث آینده را پیشگویی کرده اند. چنان که بخش اندکی از معارف **قرآن** به بیان حوادث تاریخی آینده اختصاص دارد و آنچه از تاریخ گذشته بیان شده بیشتر از حوادث آینده است، اهل بیت علیهم السلام نیز در بیان معارف و حقایق الهی به حداقل پیش گویی اکتفا کرده اند. برخلاف تصور عوامانه ای که گویا برای امام وظیفه ای جز معجزه، کرامت و پیشگویی نمی شناسد از اهل بیت علیهم السلام کمترین اخبار پیشگویی آینده روایت شده است. از این رو، بیشترین پیشگویی ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یا از برخی صحابه رسول خدا رضی الله عنهم نقل شده که بیشتر آنها نیز در منابع اهل سنت و با اسناد ضعیف از راویان ضعیف بیان شده است. در منابع معتبر شیعه، حجم بسیار اندکی از روایات پیشگویانه منعکس شده است. تفاوت مکتب اهل بیت علیهم السلام با سایر مکاتب اسلامی در این موضوع است. گویا علاقه به بیان و نشر پیشگویی در میان اهل سنت بیشتر بوده و سابقه آنها در این زمینه بیشتر و بیشتر است. یکی از مهمترین دلایل آن، علاقه خلفا به اخبار پیشگویی و ارتباط آنها با علمای اهل کتاب است.

بسیاری از کتب فتن، ملاحم و اخبار مربوط به حوادث آینده توسط اهل سنت گردآوری شده و به منابع شیعه راه یافته است. سیدبن طاووس نیز که درصدد گردآوری اخبار ملاحم بوده برای تألیف **کتاب التشریف** از منابع اهل سنت بیشتر و از منابع شیعه کمتر بهره برده است. ابن طاووس ۲۱۱ باب (حدود ۲۳۰ روایت) از **الفتن** نعیم بن حماد، ۸۴ باب (حدود نود روایت) از **الفتن** سلیلی، ۵۱ باب (حدود ۵۵ روایت) از **الفتن** زکریابن یحیی و ۴۱ فصل



حدود شصت روایت) را در بخش آخر از کتب مختلف نقل کرده است. بنابراین، ایشان در این کتاب حدود ۴۲۵ تا ۴۵۰ روایت را نقل کرده است. از این روایات فقط حدود ۱۵۰ روایت آن به پیامبر صلی الله علیه و آله منسوب است، حدود ۴۵ الی ۵۰ روایت به امام علی علیه السلام، پنج روایت به امام حسن علیه السلام، دو روایت به امام حسین علیه السلام، چهار روایت به امام محمدباقر علیه السلام، دو یا سه روایت به امام صادق علیه السلام و یک روایت به امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام منسوب است. حدود نیمی دیگر از روایات این کتاب موقوف است و سند آنها به پیامبر یا امامان شیعه نمی‌رسد و از صحابه یا تابعین نقل شده است. (ر.ک.، ابن طاووس، ۱۴۱۶ ه.ق؛ بصیری، ۱۳۹۴)

ابن حماد نیز در **کتاب الفتن** بیشتر روایات را از صحابه یا تابعین نقل می‌کند و آن‌گونه که انتظار می‌رود سند روایات به رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌رسد. برای مثال از مجموع حدود ۱۷۰ روایت باب‌های ۲۹ تا ۴۴ این کتاب که درباره مهدی و سفیانی است فقط حدود ۲۵ روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده و دیگر اسناد کتاب به افرادی مانند کعب الاحبار، محمدبن حنفیه، زهری، ارطاة و دیگران ختم می‌شود. (صادقی، ۱۳۸۲)

با بررسی‌های انجام شده بسیاری از پیشگویی‌های امیرمؤمنان علیه السلام که فقط در **کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید** آمده است در منابع حدیث شیعه یافت نمی‌شود و مشخص است که وی از منابع اهل سنت نقل کرده است. البته بخشی از پیشگویی‌های امام علی علیه السلام که در **شرح ابن ابی‌الحدید** آمده متواتر و قطعی است مانند آنچه در **نهج البلاغه** آمده است و سیدرضی از منابع و مصادر معتبر روایت کرده است. تعداد روایات پیشگویانه امام مجتبی علیه السلام که در منابع معتبر شیعه نقل شده است به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسد. از مجموع حدود ۱۲ روایت معتبر و مستند پیشگویانه امام حسین بن علی علیه السلام ۹ روایت مربوط به قیام کربلا و باقی نیز مربوط به حوادث مرتبط با عاشورا است. سایر امامان شیعه نیز به همین میزان، روایت معتبر و مستند در پیشگویی حوادث تاریخی آینده دارند. روایات منقول از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در پیشگویی حوادث آینده بیش از سایر امامان است که آن‌هم بیشتر ناظر به حوادث آخرالزمان، غیبت و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه و بخشی به آینده بنی‌امیه و بنی‌عباس و قیام‌های سیاسی این دوره مربوط است. بیان حداقلی پیشگویی‌ها چند حکمت و هدف دارد؛ نخست آنکه اهل بیت علیهم السلام

نمی خواستند مانند افراد پیشگو شناخته شوند تا جنبه‌های دیگر امامت ایشان تحت الشعاع قرار گیرد. چنان‌که کمتر به انشاء شعر می پرداختند و بیشتر به تمثیل به اشعار شاعران معروف اکتفا می کردند تا مبدا جامعه منزلت آنها را در حد یک شاعر تقلیل دهد و از آنها با عنوان شاعر یاد کنند. به ویژه آنکه رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار ﷺ پرچمداران مبارزه با کفایت، رمل، تنجیم‌های باطل و خرافه بودند و بیان پیشگویی زیاد، شائبه ترویج و تقویت کار آن گروه‌ها را به دنبال داشت. به همین دلیل، اهل بیت ﷺ از معجزه و کرامت نیز به شکل حداقلی استفاده کرده‌اند تا مبدا سایر جنبه‌های هدایت و رهبری آنها تحت الشعاع قرار گیرد.

دیگر آنکه شیوه هدایت و تربیت ائمه ﷺ پرورش قدرت عقل و تفکر و درس‌آموزی از گذشته برای ساختن آینده بود. چنان‌که قرآن نیز به تدبیر، تفکر و تعقل بها داده و با تأکید بر وجود عالم غیب بر ایمان مبتنی بر عقلانیت اصرار دارد. اهل بیت ﷺ نمی خواستند جامعه را به پیشگویی عادت دهند تا مانعی در مسیر رشد و تکامل عقلانی آنها ایجاد شود. ایشان آینده‌نگری را جایگزین آینده‌بینی کردند. (ر.ک.، حشر: ۱۸) آینده‌نگری، مبتنی بر وحی و تعالیم الهی و مبتنی بر عقلانیت و استفاده از تجربیات تاریخی است. نگاهی به نهج البلاغه نشان می‌دهد که تعداد خطبه‌های ملاحم نسبت به خطبه‌های دیگر نهج البلاغه بسیار اندک و تعداد اخبار غیبی نهج البلاغه حدود ۷۵ خبر است. خطبه‌های معدود و معتبر ملاحم که مشحون از حکمت‌ها و علوم الهی است در راستای هدایتگری و نیاز جامعه ایراد شده است.

۵-۲. استفاده از جملات کوتاه، گویا و قاطع

بررسی‌های حدیثی نشان می‌دهد که پیشگویی‌های معتبری که از ائمه ﷺ نقل شده است با عبارات کوتاه و واضح بیان شده و کمتر از سخنان طولانی، مطول و پیچیده در پیشگویی‌ها استفاده شده است. از این رو، برخی خطبه‌های منسوب به امام علی ﷺ که در نهج البلاغه نیامده و در سایر کتب تاریخی یا حدیثی آمده است و به خطبه‌های ملاحم و اخبار ملاحم مشهور و ناظر به حوادث آخرالزمان است از نظر منبع و سند ضعیف و ساخته جریان غلات یا تصوف یا سایر فرق منحرف است مانند خطبه‌های البیان، خطبه لولؤئیه، طتنجیه، الزهراء (ر.ک.، پاکتی، ۱۳۸۳؛ صادقی، ۱۳۸۳). همچنین حدیث طولانی و مفصل مفضل بن



عمر از امام صادق علیه السلام که در کتاب هدایه الکبری آمده و حدود ۴۰ صفحه این کتاب را دربرگرفته است که به پیشگویی حوادث آینده جهان اسلام و حوادث آخرالزمان پرداخته است، از این نمونه است. این روایت طولانی که در هیچ منبعی قبل از هدایه الکبری یافت نمی شود در برخی موارد حاوی مطالبی است که ناستواری آن مشخص است (ر.ک. صفری فروشانی، ۱۳۸۴).

نکته دیگر اینکه امامان از ساختار شعر یا نثر مسجع و امثال آن برای بیان پیشگویی استفاده نکرده اند، بلکه از همان زبان و ادبیاتی که سایر معارف را بیان نموده اند برای پیشگویی نیز استفاده کرده اند. با توجه به موزون و مسجع بودن پیشگویی های کاهنان در پیش از اسلام و عصر جاهلیت این احتمال وجود دارد که ائمه علیهم السلام خواسته اند تا سبک کاهنان را یادآور شوند، البته همان گونه که در سایر موارد، کلام امام علیه السلام در اوج فصاحت و بلاغت بود این موارد نیز فصیح و بلیغ و گاه موزون بیان شده است. از این رو، در موارد اخبار جعلی و ساختگی، پیشگویی هایی که مسجع و مقفی بیان شده است، بیشتر می باشد: «أَنَا الْوَاقِفُ عَلَى الثُّنْبَجَيْنِ، أَنَا النَّاطِرُ إِلَى الْمَغْرِبِينَ وَ الْمَشْرِقِينَ، رَأَيْتُ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ الْفِرْدَوْسَ رَأَى الْعَيْنِ؛ مَنْ بَرَّ رُؤَى دُو تَنْجِ (خلیج) ایستادم، به دو مغرب و دو مشرق نگاه کردم با همین چشم رحمت خداوند و فردوس را دیدم» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ ه.ق، ص ۲۶۳)؛ «أَنَا مُفِيضُ الْفُرَاتِ أَنَا مُعْرَبُ التَّوْرَةِ أَنَا الْمُؤَلَّفُ لِلشَّاتِ أَنَا مُظَهِّرُ الْمُعْجَزَاتِ؛ مَنْ سَرْمَنْشَأُ جُوشِ فِرَاتٍ، مَنْ كَسَى كَتَبَ تَوْرَاتٍ رَا بَه زَبَانِ عَرَبِي تَرْجَمَهُ نَمُودُ، مَنْم نَزْدِيك كَنْدَه پْرَا كَنْدَه هَا، مَنْم پَدِيدَا وَرَنْدَه مَعْجَزَاتٍ وَ خَوَارِقِ عَادَاتٍ» (یزدی حایری، ۱۴۲۲ ه.ق، ۱۴۹/۲).

امامان شیعه علیهم السلام از عبارات مبهم و غیرقابل فهم استفاده نمی کردند در حالی که در خطبه های نامعتبر و جعلی، فراوانی عبارات و واژگان نامأنوس و نامفهوم به چشم می خورد، گویا هدف آن فقط گیج کردن و ترساندن مخاطب بوده است نه هدایتگری و بصیرت افزایی: «أَنَا حَرَقْتُ الْقُلُومَ مِنَ التَّرْجِيمِ، وَ حَرَقْتُ الْعَقِيمَ مِنَ الْحَيْمِ، وَ حَرَقْتُ كُلَّ مِنْ كُلِّ وَ حَرَقْتُ بَعْضًا فِي بَعْضٍ، أَنَا طَيْرُثَا، أَنَا جَانِبُثَا، أَنَا الْبَارِحَلُونَ، أَنَا عَلِيُوثَا، أَنَا الْمُسْتَرْقِيُّ عَلَى الْبِحَارِ فِي تَوَالِمِ الزَّخَارِ عِنْدَ الْبِيَارِ، حَتَّى يَخْرُجَ لِي مَا أَعَدَ لِي فِيهِ مِنَ الْحَيْلِ وَ الرَّجْلِ؛ مَنْ قَلْزَمَ رَا ز تَرْجِيمِ وَ عَقِيمِ رَا ز حَيْمِ وَ هَمَه رَا ز هَمَه بِيْرُونَ كَشِيدَم وَ بَعْضِي رَا ز بَعْضِي دِيْگَر خَارِجِ گِرْدَانْدَم. مَنْ طَيْرُثَا، جَانِبُثَا، بَارِحَلُونَ وَ عَلِيُوثَا هَسْتَم. مَنْ بَرِ دِرْيَاهَا دَرِ اَمَوَاجِ آن مَنْتَظَرِ هَسْتَم تَا چِيْزِي رَا كَه از اَسْبِ وَ مَرْدَانِ بَرَايِ مِنْ آمَادَه كَرْدَه اَسْتِ بَرَايِمِ بِيْرُونَ بَرِيْزِدُ» (حافظ برسی، ۱۴۲۲ ه.ق، ص ۲۶۶). به کارگیری برخی عبارات نامفهوم و غیرمتناسب با فضای

صدور و بستر زمانی روایت نیز با سبک ادبیات پیشگویی ائمه اطهار علیهم السلام ناسازگار است مانند خبری که در آن کلمه انقلاب به معنای رایج امروزی آن در ایران به کار رفته است: «وَيَنْقَلِبُ مَلِكُ الْعَجَمِ فِي مُحَرَّمٍ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ حَتَّى يَفِرُّ مَلِكُ الْعَجَمِ لِيَأْخُذَهُ النَّاسُ ثُمَّ يُهْلِكُ عَمَّا وَتَدُومُ الْفِتْنَةُ وَ تَدُومُ الْأَنْقِلَابُ وَ بَشِيرُ النَّاسِ يَظْهَرُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ پادشاه سرزمین عجم (ایران) در ماه محرم خون‌های زیادی می‌ریزد و سپس از سرزمین عجم فرار کرده تا مبادا مردم او را دستگیر کنند. سرانجام وی از شدت غم هلاک می‌شود، ولی فتنه‌ها ادامه می‌یابند و انقلاب نیز باقی می‌ماند و در آن زمان مردم را به ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ بشارت دهید» (زین العابدین، ۱۴۲۵ ه.ق. ۲۲۲/۱). این روایت در منابع معتبر تاریخی و حتی منابع متأخری که اعتبار کمتری دارند، مشاهده نشده است. در این روایت از کلمات «ینقلب» و «الانقلاب» به جای کلمه «یثور» و «الثورة» استفاده شده است. اگرچه این کلمات در زبان فارسی معنای انقلاب را دارد، در زبان عربی چنین معنایی را نمی‌رساند. ویژگی دیگر پیش‌گویی‌های ائمه علیهم السلام استفاده از عبارات قاطع و جزمی است. عبارات مردد و مشکوک نمی‌تواند بیانگر پیشگویی معصوم باشد. شیعه معتقد است که امام با اتصال به منبع وحی و علم الهی چنانچه بخواهد عالم به ماکان و مایکون و ماهو کائن است، آینده را می‌بیند و از آن خبر می‌دهد (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق. ۱/۱-). اگر علم و اطلاع او از آینده دستخوش شک و تردید و ابهام شود با عصمت و علم لدنی او سازگار نخواهد بود و نقض غرض خواهد شد. همان‌طور که اگر امام در بیان حکم شرعی یا بیان مسئله معرفتی و حقایق و معارف دچار شک شود از او پذیرفته نیست، در امر پیشگویی نیز چنین است. لازمه پیشگویی معصومانه، قطعیت و جزمیت آن است. این یکی از معیارها و ملاک‌های سنجش اخبار صحیح از باطل نیز است. روایات پیشگویی امامان نشان می‌دهد که ایشان از ادات تأکید و گاه قسم بهره می‌بردند تا قطعیت را به مخاطب خود منتقل کنند: «سَلَوْنِي عَمَّا سِئْتُمْ وَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ» (صفا، ۱۴۰۴ ه.ق. ۱۱۲/۱)؛ «وَاللَّهِ مَا مَاتَ وَلَا يَمُوتُ حَتَّى يَدْخُلَ مِنْ هَذَا الْبَابِ يَحْمِلُ رَايَةَ صَلَاةٍ» (شريف‌رضی، ۱۴۰۶، ص ۵۳)؛ «لَيَقْتُلَنَّ الْحُسَيْنَ، وَإِنِّي لِأَعْرِفُ التَّرْبَةَ الَّتِي يَقْتُلُ فِيهَا بَيْنَ التَّهْرِينِ» (طبرانی، ۱۴۱۵ ه.ق. ۱۱۷/۳)؛ «كَأَنِّي بِالْقُصُورِ قَدْ سُيِّدَتْ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۳، ۴۸/۲)؛ «وَاللَّهِ لَا يَدْعُوَنِي حَتَّى يَسْتَخْرِجُوا هَذِهِ الْعَلَقَةَ مِنْ جَوْفِي» (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق. الف. ۷۶/۲).

در برخی اخبار ضعیف بیان شک و تردید از سوی امام به خوبی دیده می‌شود و این



دلیل بطلان چنین پیشگویی است: «علی علیه السلام بلند شد و خطبه‌ای خواند و فرمود: قسم به آن خدایی که جان من در دست اوست اهل بصره شکست می‌خورند و از اهل کوفه پنج هزار و ششصد یا پانصد نفر با شما خروج می‌کنند» (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۱۰۲).

۵-۳. هدفدار بودن پیشگویی‌ها

بی‌تردید پیشگویی ائمه علیهم السلام در رأس رسالت هدایتگری و ارشاد و رهبری آنها صورت گرفته است و از جمله مهمترین شاخصه پیشگویی‌های امامان علیهم السلام هدفدار بودن این پیشگویی‌هاست. چنان‌که در سایر معجزات و کرامات و بینات هدف همین بوده است و نه سرگرم کردن و جذب کاذب افراد و یا کسب درآمد و شهرت و موقعیت که هدف بسیاری از پیشگویان غیرالهی بوده است. بنابراین، پیشگویی‌ای که اثری بر آن مترتب نیست و دانستن یا ندانستن آن تأثیری در هدایت و تکامل بشری ندارد از معصوم صادر نمی‌شود. این ویژگی یکی از مهمترین معیارها در تمییز پیشگویی‌های صحیح از باطل است. در این شاخصه نیز همسویی **قرآن** و اهل بیت علیهم السلام جلوه می‌کند.

در پیشگویی‌های مجعول و ساختگی، بی‌فایده بودن پیشگویی به خوبی دریافت می‌شود. در این باره روایات زیادی وجود دارد: ابن‌ضمیره از علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت کرده که فرمود: «خدا در این امت پنج فتنه قرار داده: فتنه عمومی، فتنه خصوصی، فتنه عمومی، فتنه خصوصی، فتنه‌ای است که مردم در آن مثل چهارپایان خواهند شد» (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۱). از چنین روایتی چه بهره‌ای از هدایت می‌توان گرفت مگر آنکه این روایت صدر و ذیلی داشته است که حذف شده است یا امام علی علیه السلام در روایت دیگری آن را شرح داده که به دست نرسیده است.

در برخی موارد نیز فایده‌ای که برای پیشگویی در خود روایت بیان شده است با سبک رهبری و هدایتگری امام ناسازگار است. امامان شیعه هرگز روح یأس و ناامیدی و بی‌فایده بودن تلاش‌های انسانی را ترویج نمی‌کردند، اما در برخی روایات منسوب به امامان علیهم السلام، جو یأس و ناامیدی موج می‌زند برای مثال نقل شده است: «سالم حبشانی گوید که در کوفه از امیرالمؤمنین علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: "من برای حق قتال می‌کنم که اقامه شود و هرگز اقامه نخواهد شد و امر (خلافت) با آنهاست". با یاران خود گفتم که اینجا جای ماندن نیست و حال آنکه



علی علیه السلام خبر می‌دهد که امر (خلافت) با اینها یعنی، علی علیه السلام نیست. ما از آن حضرت اجازه خواستیم که به مصر برویم و آن حضرت هم به هریک از ما که می‌خواست، اجازه داد و به هر مردی از ما هزار درهم عطا کرد و طایفه‌ای از ما را با او روانه کرد. (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۹) آیا امام به جای تشویق جامعه به جهاد و قیام آنها را از این راه ناامید و مأیوس و منصرف کرده و به آنها کمک کرده است تا از انجام وظیفه فرار کنند؟

در برخی روایات از یک شهر و منطقه ستایش شده یا به شدت نکوهش شده و جغرافیای انسانی آن زیر سؤال رفته و از اقامت در آن شهر نهی شده است که احتمال جعل و ساختگی بودن آن روایت تقویت می‌شود. برای مثال نقل شده است که محمد بن علی از پدرش از جدش علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «رغبت به سکنی در بصره پیدا نکنید؛ زیرا که بصره و اطراف آن به نحوی غرق خواهد شد که غیر از مسجدهای دیگر دیده نخواهد شد و مسجد آن چون سینه کشتی خواهد بود» (ابن طاووس، بی‌تا، ص ۱۱۶). آیا نهی از اقامت در یک منطقه و مذموم و نامیمون خواندن یک جغرافیا با منطق اسلام و منطق امامت سازگار است؟ به نظر می‌رسد چنین اخبار پیشگویانه‌ای با رسالت امام علیه السلام که هدایت همه انسان‌ها در همه نقاط دنیاست هماهنگ نیست. (کریمی، ۱۳۸۹؛ کریمی قهی، ۱۳۸۷)

۴-۵. پرهیز از تعیین زمان

تعیین زمان یا به اصطلاح توقیت در موضوع قیامت و مهدویت مورد انکار اهل بیت علیهم السلام بود و ایشان از آن پرهیز می‌کردند و دیگران را نیز از توقیت نهی می‌کردند. این یکی از معتقدات اصلی شیعه است که انبوهی از روایات آن را تأیید می‌کند. در سایر حوادث نیز اهل بیت علیهم السلام همین سبک و مسیر را پیموده‌اند و به ندرت می‌توان پیشگویی صحیحی را یافت که در آن به زمان وقوع حادثه اشاره شده باشد و اگر اشاره به زمان شده باشد نیز به صورت کلی و غیرمعین بوده است. برای مثال، درباره قیام خونین عاشورا که از محوری‌ترین حوادث پیشگویی شده اهل بیت علیهم السلام بوده و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرمؤمنان علیه السلام و حسنین علیهم السلام روایات فراوانی در پیشگویی این حادثه نقل شده است هیچ اشاره‌ای به سال وقوع آن نشده است. اهل بیت علیهم السلام اصرار داشتند که ماجرای کربلا را به جامعه اسلامی خبر دهند و از هر فرصتی برای پیش‌آگاهی جامعه اسلامی از این رخداد استفاده می‌کردند تا آنجا که



از ابن عباس نقل است که می‌گفت: «ما درباره شهادت حسین علیه السلام در کربلا هیچ شک و تردیدی نداشتیم»، بسیار است پیشگویی‌هایی که امام برخی جزئیات حادثه را بیان نموده است، اما از بیان زمان وقوع حادثه خبر نداده است. در این موضوع نیز پیشگویی‌های **نهج البلاغه** می‌تواند معیار و الگوی مناسبی باشد. هیچ‌یک از پیشگویی‌های امام علی علیه السلام در **نهج البلاغه** زمان مند و مقید به وقت نیست. این معیار نیز با سبک پیشگویی‌های **قرآن** همخوانی دارد. برای مثال، اگر **قرآن** خبر از پیروزی روم در جنگ با ایران می‌دهد (ر.ک.، روم: ۲-۴) زمانی را برای آن مشخص نمی‌کند و با ادات استقبال خبر از وقوع حتمی این حادثه می‌دهد. این نیز یکی از معیارهای سنجش اخبار صحیح از باطل است. این درحالی است که در روایات ضعیف و گاه ساختگی، عنصر تعیین زمان به خوبی جلوه می‌کند.

عدم تعیین زمان دقیق حوادث، علل و حکمت‌های مختلفی دارد. شاید یکی از دلایل آن ایجاد آمادگی در جامعه به صورت لحظه‌به‌لحظه و پرهیز از فرسایشی شدن وعده‌ها و وعیدهاست. در روایات مربوط به نهی از توقیت زمان ظهور به این حکمت‌ها اشاره شده است: «فَلَوْ قِيلَ لَنَا إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا إِلَى مِائَتَيْ سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثِمِائَةٍ سَنَةٍ لَقَسَتِ الْقُلُوبُ وَ لَرَجَعَ عَامَّةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ لَكِنْ قَالُوا مَا أَسْرَعَهُ وَ مَا أَفْرَبَهُ تَأَلَّفَا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَ تَقْرِيباً لِلْفَرَجِ؛ اگر برای این امر وقتی تعیین شود دل‌ها را قساوت می‌گیرد و توده مردم از اسلام برمی‌گردند. بگوئید: چه زود است! چقدر نزدیک است! تا دل مردم آرام گیرد و فرج نزدیک شود» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۶۹/۱). در روایت دیگری محمد بن مسلم می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكْذِبَهُ فَإِنَّا لَا نُوقِتُ لِأَحَدٍ وَفْتًا؛ ای محمد! هرکس از جانب ما به تو خبر دهد که ما وقتی برای ظهور تعیین کرده‌ایم، بی‌مهابا و ترس او را تکذیب کن؛ زیرا ما برای هیچ‌کس [حتی خواص] وقتی تعیین نمی‌کنیم» (النعمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۹). نکته قابل توجه این است که در روایت آمده است: «بی‌مهابا او را تکذیب کن». از این تفسیر به خوبی برمی‌آید که نباید شخصیت زده شد. ابهت و بزرگی افراد نباید مانع تکذیب شود، هرکس با هر مقام و جایگاهی که دارد اگر برای ظهور وقتی معین کرد باید تکذیب شود.

تعیین زمان در حوادث دیگر نیز چنین پیامدهایی داشته که از آن نهی شده است. درحالی‌که در روایات ضعیف برای حوادث زمان مشخص شده است: «ثُمَّ تَكُونُ فِي سَنَةٍ

حَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ وَحَمْسَ ثَلَاثَ فِتْنٍ فِي الْبِلَادِ: فِتْنَةُ بَمِصْرَ، أَوْلَى لِمِصْرَ، وَالثَّانِيَةُ بِالْكُوفَةِ، وَالثَّلَاثَةُ بِالْبَصْرَةِ فَوَيْلٌ لِلْبَصْرَةِ، وَهَلَاكُ الْبَصْرَةِ مِنْ رَجُلٍ يَنْتَدِبُ لَهَا لَا أَسْلَ لَهُ وَلَا فِرْعَ، فَيَصِيرُ النَّاسُ فِرْقَتَيْنِ: فِرْقَةً مَعَهُ، وَفِرْقَةً عَلَيْهِ، فَيَمَكُثُ فَيَدُومُ عَلَيْهِمْ سِنِينَ» (ابن طاوس، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۲۵)؛ «وَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْأَحَدِ أَوَّلَ الْمُحْرَمِ فَإِنَّهُ يَكُونُ الشِّتَاءُ صَالِحاً وَكثيرُ الْمَطَرِ وَتُصِيبُ بَعْضَ الْأَشْجَارِ وَ الزَّرْعِ أَقْفَهُ وَ تَكُونُ أَوْجَاعِ مُخْتَلِفَةٍ وَ مَوْتِ شَدِيدٍ وَ يُقْلُ الْعَسَلِ وَ يُكْثِرُ فِي الْهُوَى الْوَبَاءُ وَ الْمَوْتَانِ وَ يَكُونُ فِي آخِرِ السَّنَةِ بَعْضُ الْعَلَاءِ فِي الطَّعَامِ» (قطب راوندی، ۱۴۳۰ هـ.ق، ص ۲۳۲). حذیفه از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: «بعد از سنه ۱۵۴ بهترین فرزندان شما دخترانند و بهترین زنان شما. بعد از سنه ۱۶۹ زانی هستند که نزایند و در سنه ۱۶۸ قرض خود را طلب کن و در سنه ۱۶۹ قرض خود را بپرداز و در سنه ۹۰ کشت و کشتار می شود. یکی از آن گروه گفت: یا رسول الله! در آن موقع راه نجات چیست؟ فرموده: تا قیام قیامت فتنه و آشوب خواهد بود» (ابن طاوس، بی تا، ص ۱۴۷).

۵- ۵. استفاده از عبارات و واژگان خاص

برای پی بردن به ادبیات پیشگویی اهل بیت علیهم السلام باید مجموعه فراوانی از پیشگویی ها را از نظر گذرانند تا به عبارات مشترک و پرکاربرد از سوی ایشان پی برد. با این همه در بسیاری از پیشگویی ها از عبارات خاص استفاده نشده و با سخنان دیگر امام همسان است. استفاده از عبارات و واژگان خاص برای متوجه ساختن مخاطب به تفاوت این کلام با سایر سخنان امام بوده است. با این عبارات مخاطب متوجه می شد که امام اینک در مقام بیان پیشگویی وقوع یک حادثه مهم در آینده است. تأثیر سخن امام در ذهن و جان مخاطب با این الفاظ چند برابر می شد.

از پرکاربردترین عبارت ها، عبارت «کافی انظر» یا «کافی اری» یا «کافی بک» «کافی ب؛ گویا می بینم» است. این عبارت گویای علم الهی امام و یقین و قاطعیت امام در بیان پیشگویی است. امام آینده را می بیند و برای مردم بیان می کند نه از روی حدس و گمان و تخمین یا محاسبه های نجومی و امثال آن. مولای متقیان علیه السلام در جنگ صفین چنین فرمود: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشِيْشَ الصَّبَابِ» (شریف رضی، ۱۳۷۹، خطبه ۱۱۳). امام صادق علیه السلام قیام نفس زکیه را چنین پیشگویی نمود: «فَكَأَنِّي أَرَى رَأْسَكَ وَ قَدْ جِيءَ بِهِ وَ وُضِعَ عَلَى حَجْرٍ» (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰)؛ «كَأَنِّي بِالْقُصُورِ قَدْ شَدِدْتُ حَوْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام» (ابن بابویه، ۱۳۹۳، ۴۸/۲).



عبارات پرکاربرد دیگر شامل «یأتی علی الناس زمان؛ روزگاری برای مردم خواهد آمد که»؛ «یأتی علی الناس زمانٌ هزجٌ لا یأتسون فیهِ إلا بکُتُهم» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۲/۱)؛ «سیأتی علی الناس زمانٌ لا ینال المُلک فیهِ إلا بالقتلِ وَ التَّجْبیرِ وَ لَا الغیَیَ إلا بِالْعُصْبِ» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۹۱/۲)؛ «یأتی علی الناس زمانٌ مَنْ سألَ النَّاسَ عَاشَ وَ مَنْ سَكَّتْ مَاتَ» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۶/۴) است.

از جمله عبارات پرکاربرد دیگر در پیش‌گویی‌های امامان علیهم‌السلام می‌توان عبارت «کیف بکم؛ چگونه خواهید بود» است: «کیف بکم إذا فسد نساؤکم وَ فسق شَبانُکم، وَ لم تأمروا بالمعروفِ وَ لم تنهوا عن المنکر» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ص ۵۴)؛ «کیف بکم و اماره الضبیان من قریش» (نفی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۹۲/۱)؛ «لکن کیف بک إذا عجزت بعدی فعمیت» (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۵). استفاده از ادوات استقبال به‌ویژه سین و سوف هم در روایات پیش‌گویی به‌وفور دیده می‌شود.

۵-۶. استفاده از زبان تمثیل و تشبیه

امور آینده از جمله امور نامحسوس و نامأنوس برای مخاطب است و نمی‌تواند درک درستی از آن داشته باشد. از این رو، ائمه اطهار علیهم‌السلام با زبان تمثیل و تشبیه آن را برای مخاطب قابل فهم‌تر می‌کردند، البته استفاده از تمثیل مختص به اخبار پیش‌گویی نیست و در سایر موارد نیز در بیان مسائل مهم معرفتی از ابزار مثال بهره‌گیری شده است: «کأنتی بک یا کوفه مُتَمَدِّینَ مَدَّ الْأَدِیمِ الْعُكَاظِی تُعْرَکِینَ بِالنَّوْازِلِ وَ تُزْکِیْنَ بِالزَّلَازِلِ؛ ای کوفه! گویی می‌بینم که چون چرم عکاظی از هر طرف کشیده شوی و پامال حوادث گردی و به بلاها گرفتار آیی» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۹۷/۳). این جمله اشاره به این است که در آینده کوفه به بخش‌ها و قطعات متعددی تجزیه می‌شود، همان‌گونه که چرم‌های عکاظی را برای بریدن و قطعه‌قطعه کردن می‌کشند و می‌گسترانند. «إِنَّ لَهُ إِمْرَةً کَلْعَقَةَ الْکَلْبِ أَنْثَه». (نهج البلاغه: خطبه ۷۳) در این روایت امام علی علیه‌السلام پیش‌گویی می‌کند که مروان در آینده به امارت خواهد رسید، ولی مدت حکومتش به همان کوتاهی است که سگی با زبان بینی خود را بلیسد.

«وَ اِئْمُ اللَّهِ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءِ بَعْدِي كَالثَّابِ الصَّرُوسِ تَغْدُمُ بِفِيهَا وَ تَحْبِطُ بِيَدِهَا وَ تَرْبِنُ بِرِجْلِهَا وَ تَمْنَعُ دَرَّهَا؛ به خدا سوگند پس از من بنی‌امیه را فرمانروایانی نابه‌کار خواهید یافت. چون ماده شتری پیر و بدخو که به هنگام دوشیدن به دهان گاز گیرد و دست‌ها بر زمین کوبد و لگد اندازد و نگذارد کسی شیرش را بدوشد» (نهج البلاغه: خطبه ۹۳)؛ «فَتَنْ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا تَقُومُ لَهَا قَائِمَةٌ وَ لَا تُرَدُّ لَهَا رَائِيَةٌ

تَأْتِيكُمْ مَرْمُومَةً مَرْحُولَةً يَخْفِزُهَا قَائِدُهُ؛ فتنه‌هایی است چون ظلمت شب. کس را یارای آن نیست که در برابرشان برپای خیزد. هیچ‌یک از درفش‌هایش واپس نخواهد نشست» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ۱۵۴۳/۱).

۶. نتیجه‌گیری

پیشگویی تاریخی به معنای پیش‌آگاهی و پیش‌اظهاری قاطعانه حوادث مهم آینده، مفهومی متفاوت با پیش‌بینی‌های رایج دارد و منشأ آن علم الهی امامان علیهم‌السلام به حقایق عالم وجود و بیان آن برای هدایتگری و ارشاد و تبشیر و انداز امت‌هاست. در ادبیات روایی واژگان ملاحم و فتن، بلایا و منایا، علم غیب و جفر و صحیفه و جامعه هرکدام به نوعی بازتاب‌دهنده مفهوم پیشگویی است.

پیشگویی‌های امامان علیهم‌السلام گستره موضوعی متنوعی دارد. برخی از آن مربوط به مسائل سیاسی مانند ظهور و سقوط حکومت‌ها، قیام‌ها و آشوب‌ها و فتنه‌هاست و برخی مربوط به آینده شهرها و مناطق مهم و برخی دیگر مربوط به مسائل فرهنگی مانند ظهور و بروز فرقه‌ها و نحله‌ها و هنجارها و ناهنجاری‌ها و مفاسد اخلاقی است که هرکدام در بستر روایی خاصی صادر شده است.

با مطالعه و بررسی پیشگویی‌های امامان علیهم‌السلام می‌توان به اصول و قواعد و سبک یکسانی در پیشگویی‌های ایشان پی برد. نخست آنکه ائمه اطهار علیهم‌السلام در موارد اندکی اقدام به پیشگویی حوادث آینده کرده‌اند و اخبار پیشگویانه معتبر از ایشان نسبت به سایر موضوعات، تعداد بسیار کمی از روایات را دربرمی‌گیرد. بنابراین، پیشگویی تاریخی امامان مانند پیشگویی‌های **قرآن** به ندرت و در موارد ضرورت و نیاز جامعه و برای هدایتگری جامعه انجام شده است. دیگر آنکه ادبیات حاکم بر روایات پیشگویانه نشانگر به‌کارگیری عبارات و واژگان کوتاه، گویا و قاطع است. در پیشگویی امامان برخلاف بسیاری از پیشگویان که عبارات طولانی، مبهم و چندپهلورا وسیله‌ای برای پیشگویی‌های عوام‌پسند قرار می‌دادند از عبارات نامفهوم، مبهم و مردد استفاده نشده است. از اخبار پیشگویی امامان می‌توان کلمات پرکاربرد و واژگان خاص را استخراج کرد. استفاده از زبان تمثیل و تشبیه نیز یکی دیگر از ویژگی‌های سبک پیشگویی امامان است.



فهرست منابع

* **قرآن کریم** (۱۳۸۲). الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: نگارش.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ هـ. ق. ه. ق). **شرح نهج البلاغه**. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری، (۱۳۸۵ هـ. ق). **الکامل**. قم: هادی.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶). **الأمالی**. تهران: کتابچی.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵ هـ. ق). **علل الشرائع**. نجف: مكتبة الداوری المكتبة الحیدریة.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۳). **عیون اخبار الرضا** علیه السلام. تهران: جهان.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵ هـ. ق). **کمال الدین و اتمام النعمة**. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۷. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ هـ. ق). **الطبقات الكبرى**. بیروت: دارالکتب العلمية.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ هـ. ق). **التشريف بالمنمن في التعريف بالفتن**. مصحح: مؤسسه صاحب‌الامر. اصفهان: گلپهار.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا). **الملاحم والفتن: فتنه و آشوب‌های آخر الزمان**. مترجم: نجفی، محمدجواد. تهران: اسلامیه.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**. مصحح: امینی، عبدالحسین. نجف: دارالمرتضویه.
۱۱. ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ هـ. ق). **البدایه و النهایه**. بی جا: دارالفکر.
۱۲. أبو الفرج الأصفهانی، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۳۸۵ هـ. ق). **مقاتل الطالبیین**. بی جا: مكتبة الحیدریة.
۱۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳ هـ. ق). **كشف الغمة في معرفة الأئمة**. بیروت: دارالاضواء.
۱۴. آمدی، سیف‌الدین (۱۴۲۴ هـ. ق). **ابکار الافکار**. بیروت: دارالکتب العلمية.
۱۵. بصیری، عباس (۱۳۹۴). **ملاحم و فتن: در بررسی انتقادی سه روایت از کتاب الفتن نعیم بن حماد. نشریه کارنامه تاریخ**، ۳، ۱-۱۴.
۱۶. پاکتچی، احمد (۱۳۸۳). اندیشه هفت اقلیم. **نشریه مطالعات اسلامی**، ۶۵، ۱۷-۴۲.
۱۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ هـ. ق). **الغارات**. مصحح: حسینی، عبدالزهر. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰). **دانشنامه امام علی** علیه السلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. حافظ برسی، رجب بن محمد (۱۴۲۲ هـ. ق). **مشارق أنوار الیقین فی أسرار امیر المؤمنین** علیه السلام. بیروت: مشارق أنوار الیقین فی أسرار امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۰. حایری یزدی، علی (۱۴۲۲ هـ. ق). **الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب** علیه السلام. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
۲۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ هـ. ق). **الابواب الحادی عشر**. قم: مكتبة العلام.
۲۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ هـ. ق). **قرب الاسناد**. قم: مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۳. **دایرة المعارف بزرگ اسلامی** (۱۳۹۸). تهران: نشر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۲۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغتنامه**. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ هـ. ق). **تاریخ الإسلام**. بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۶. رجالی، علیرضا (۱۳۷۷). **خبرهای غیبی: شامل دو بیست و ده خبر شگفت‌انگیز از چهارده معصوم** علیهم السلام. تهران: نبوغ.
۲۷. زیدان، جرجی (۱۳۹۴). **تاریخ تمدن اسلام**. مترجم: جواهرکلام، علی. تهران: امیرکبیر.
۲۸. زین‌العابدین، محمد مهدی (۱۴۲۵ هـ. ق). **بیان الأئمة**. قم: دارالغدیر.
۲۹. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۴۲۶ هـ. ق). **تذکره الخواص**. قم: المجمع العالمی لاهل‌البيت علیهم السلام.
۳۰. سعادت، قادر (۱۳۹۴). **سوء استفاده داعش از روایات ملاحم و فتن. نشریه میلفان**، ۱۹۶، ۱۰۶-۱۱۳.
۳۱. سلیمان، خدامراد (۱۳۹۵). **واکاوی روند روبه افزایش نقل روایات نشانه‌های ظهور در سیر تدوین منابع روایی فلسفه و کلام. نشریه انتظار موعود**، ۵۵، ۵۵-۲۹.
۳۲. سیاح، احمد (۱۳۵۰). **پیشگویی پیشوایان**. تهران: کتابفروشی اسلام.
۳۳. شریف‌رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). **نهج البلاغه**. مترجم: دشتی، محمد. قم: مشهور.
۳۴. شریف‌رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ هـ. ق). **خصائص الأئمة** علیهم السلام؛ **خصائص امیر المؤمنین** علیه السلام. مصحح: امینی، محمد هادی. مشهد: آستان قدس رضوی.



۳۵. شفيعی دارابی، محمدحسین (۱۳۷۱). نگاهی به مسئله پیشگویی های قرآنی، *نشریه معرفت*، ۳، ۲۷-۳۵.
۳۶. شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸ هـ.ق). *الرعايه في علم الدرليه*. محقق: بقال، عبدالحسین محمدعلی، قم: مکتبه آیت الله المرعشی العامه.
۳۷. شیخ مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ هـ.ق). الف. *الارشاد*، مترجم: رسولی محلاتی. تهران: اسلامیه.
۳۸. شیخ مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ هـ.ق). ب. *الجمال*. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۹. شیخ مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ هـ.ق). ج. *اختصاص*. قم: المؤتمر العالمی.
۴۰. صادقی، مصطفی (۱۳۸۲). «الفتن» ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مهدویت. *نشریه آیین پژوهش*، ۸۴، ۴۶-۵۴.
۴۱. صادقی، مصطفی (۱۳۸۳). خطبه البیان و خطبه های منسوب به امیرمؤمنان علیه السلام. *نشریه علوم حدیث*، ۳۳، ۴۹-۸۲.
۴۲. صبحی صالح (۱۴۰۶ هـ.ق). *علوم الحدیث و مصطلحه*. بیروت: بی نا.
۴۳. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ هـ.ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
۴۴. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۸۴). حسین بن حمدان خصیبه و کتاب الهدایه الکبری. *نشریه طلوع نور*، ۱۶، ۱۵-۴۶.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ هـ.ق). *المعجم الکبیر*. محقق: سلفی، حمدی بن عبدالمجید. قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *اعلام الوری باعلام الهدی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۰۸ هـ.ق). *تاریخ الطبری*. بیروت: دارالکتب.
۴۸. طبری، محمدبن جریر بن یزید (۱۴۱۳ هـ.ق). *دلائل الامامه*. قم: بعثت.
۴۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۴ هـ.ق). *اختیار معرفة الرجال*. قم: لإحياء التراث.
۵۰. عبودی نصار، عمار (۱۳۸۷). اخبار الملاحم و الفتن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵۱. غفاری ساروی، حسین (۱۳۸۸). *خبرهای غیبی: از زبان چهارده معصوم علیهم السلام*. بی جا: شوق.
۵۲. قطب راوندی، سعیدبن هبة الله (۱۴۳۰ هـ.ق). *قصص الانبياء*. محقق: حلی، عبدالحلیم. قم: مکتبه علامه المجلسی.
۵۳. کریمی، محمود، و طاووسی مسرور، سعید (۱۳۸۹). انگیزه های سیاسی در جعل روایات مدح و ذم بلاد. *نشریه دانش سیاسی*، ۱۱، ۸۵-۱۲۷.
۵۴. کریمی قهی، منصوره (۱۳۸۷). انگیزه های فضیلت سازی برای اقوام و شهرها. *نشریه نامه تاریخ پژوهان*، ۱۵ (۲۶)، ۸-۱۰۵.
۵۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. مصحح: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب.
۵۶. محلاتی، ذبیح الله (۱۳۳۵ هـ.ق). *کشف المغیبات در اخبار غیبیه امیرالمؤمنین علیه السلام*. تهران: کتابفروشی مصطفوی.
۵۷. المسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ هـ.ق). *مروج الذهب*. بی جا: دارالهجره.
۵۸. مؤسسه المعارف الاسلامیه (۱۳۷۳). *الاحادیث الغیبیه*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۵۹. النعمانی، محمدبن ابراهیم بن جعفر (۱۳۷۶). *الغیبه*. مترجم: غفاری، محمدجواد. تهران: صدوق.
۶۰. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ هـ.ق). *کتاب سلیم بن قیس الهمالی*. قم: هادی.
۶۱. یزدی حایری، علی (۱۴۲۲ هـ.ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب علیه السلام*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

